

گزارش تاریخی

«کاتانا»؛ هولناک ترین شمشیر جهان

احتمالاً شمشیر سامواری، مشهورترین نوع شمشیر در جهان باشد. دلیل این موضوع را باید در ساخت فیلم های اکشنی دانست که در آن ها، به کرات از این نوع شمشیر استفاده می شود. نام شمشیر سامواری در زبان ژاپنی، «کاتانا» است و البته تاریخی جالب و خواندنی دارد. این نوع شمشیر، از نظر کیفیت یکی از بهترین فولادهای دنیا را دارد؛ تیغهای باریک که لبه بیرونی آن سخت برنده است و با تحنای مختصری که دارد، می تواند بسیار کشنده باشد. این شمشیر نخستین بار در قرن ۱۳ میلادی و احتمالاً توسط فردی به نام «ماسامونه» ساخته شد که دست بر قضا، مشهورترین شمشیر ساز تاریخ ژاپن نیز هست.
تأپیش از اختراع کاتانا، شمشیرهای ژاپنی کیفیت چندانی نداشت؛ شمشیرهای جوگوگو که در این دوره رواج داشت، فاقد تیغه مستحکم بود و با نند ک فشاری، می شکست یا از حالت اولیه خود خارج می شد. برخی محققان معتقدند که ساخت کاتانا، دلیلی بر خوی درنده سامواری هادر بر خورد در دشمنان شان است؛ این شمشیر اصولاً برای قطع کردن سر اختراع شد؛ یعنی آقای ماسامونه کاری کرد که سامواری ها بتوانند برای جدا کردن سر دشمنان شان، سریع تر عمل کنند. این طرح و نظر، خیلی هم دور از ذهن نیست؛ بعد از انقلاب «میجی» و آغاز غرب گرایی در ژاپن مدرن طی قرن نوزدهم، اگرچه سامواری ها نابود شدند، اما کاربرد کاتانا همچنان ادامه یافت و البته این بار، در دست سربازان استعمارگر ژاپن، بر گردن ملت های مغلوبی مانند چین، کره و فیلیپین فرو دآمد. یکی از تقریحات افسران ارتش ژاپن در مناطق اشغالی، مانند نانچینگ در چین، شرط بندی برای جدا کردن تعداد بیشتری سر، در واحد زمان بود. تصاویر هولناک این اقدام، امروزه در فضای مجازی دست به دست می شود و ماهیت رفتاری ژاپنی های دوران جنگ جهانی دوم را بیش از پیش نشان می دهد.

تاریخ صنعت

۲۰۰ سال انتظار برای حرکت روی دو چرخ



اواخر قرن هفدهم میلادی، در سال ۱۶۹۰، اولین دوچرخه جهان اختراع شد؛ این دوچرخه چوبی که توسط فردی به نام «سیوراک» اختراع شده بود، خیلی شبیه دوچرخه های امروزی نبود. تنها شباهتش وجود دو چرخ به همراه یک سکان هدایت کننده بود. دوچرخه سوار باید با فشار پا به زمین، وسیله مدنظر خود را حرکت می داد. اهالی پاریس، دوچرخه سیوراک را سب چوبی می نامیدند. اسب چوبی اگرچه تعبیر مردم پاریس را برانگیخته بود اما تنها فروشندگانه دور گرد در برای حمل بار از آن استفاده می کردند. بیش از ۱۰۰ سال طول کشید تا تام بارون فون» در شهر کارلسروهه آلمان از روی طرح قبلی که مورداستقبال زیاد مردم واقع نشد، دوچرخه پدالی را اختراع کند. این تغییر باعث جذابیت و گسترش سریع دوچرخه در اروپا شد. در سال ۱۸۳۴، آهنگر اسکاتلندی به نام «مک میلان» برای دوچرخه پنجه رکابی طراحی و اختراع کرد تا احتیاجی به فشار پا روی زمین نباشد. مک میلان به تدریج و به مدت پنج سال، دوچرخه خود را طوری کامل کرد که می توانست تا ۲۲ کیلومتر در ساعت سرعت داشته باشد و حرکت کند. در ۱۸۶۰ «پیر لالمت، مهندس جوان فرانسوی، قسمت هایی از اولین دوچرخه را که از جنس چوب بود، با لوله های آهنی تعویض کرد و سطح خارجی چرخ های چوبی را با ناوارهای لاستیکی پوشاند؛ این کار سبب حرکت روان تر دوچرخه شد. لالمت زمانی که به ایالات متحده مهاجرت کرد، دوچرخه ابداعی را با رکاب هایی بر محور چرخ جلو، همراه خود برد و به تولید و فروش این دوچرخه در بازار های آمریکا پرداخت. چند سال بعد مهندس جوانی به نام «هاردی لایوسن» برای اولین بار، زنجیر چرخ را به لبه وسیله نقلیه اضافه کرد. اما چون تایر دوچرخه سنگین و از لاستیک های توپر ساخته شده بود، سرعت دوچرخه زیاد نبود؛ از این رو شخصی به نام «توماس» با قرار دادن بلبرینگ در مرکز چرخ سبب افزایش قابل توجه سرعت دوچرخه شد. در سال ۱۸۸۱ یک کارخانه تولید چرخ خیاطی شروع به تولید دوچرخه هایی کرد که دوچرخه عقب و جلوی آن به یک اندازه بود. در این مرحله دوچرخه ها کاملاً شبیه انواع امروزی بودند؛ البته لاستیک های آن ها با نمونه های امروزی تفاوت داشت. در نهایت در سال ۱۸۸۹ میلادی، فردی به نام «دانلپ» از تایر هایی که فضای داخلی آن با هوا پر می شد برای دوچرخه استفاده کرد تا روند ساخت دوچرخه بعد از ۲۰۰ سال تکمیل شود.

بقایای کودتاگران ۲۸ مرداد هنوز در ایران هستند

بررسی چرایی عدم انتشار کامل اسناد کودتای سال ۱۳۳۲ توسط آمریکا و انگلیس در گفت و گو با دکتر موسی حقانی، دکتر هادی و کیلی، دکتر مسعود رضایی و دکتر عباس سرافرازی



۲۸ مرداد ۱۳۳۲ – تانک های کودتاگران خیابان های تهران را تحت کنترل دارند

نوابیان / حلاچیان – با وجود گذشت بیش از ۶۸ سال از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، هنوز هم بسیاری از وقایع آن در هاله ای از ابهام قرار دارد. شاید عجیب باشد که بدانید طی این مدت، بریتانیا حتی یک برگ از اسناد مربوط به کودتا را منتشر نکرده است و آمریکایی ها هم، معدود اسنادی را، تحت ممیزی شدید و حذف و تقطیع محتوا، انتشار دادند؛ اسنادی که اصولاً بسیاری از پرسش های پژوهشگران را در این عرصه، بدون پاسخ گذاشت. طی این چند دهه، آمریکایی هایی مانند کاندولیزا رایس، وزیر خارجه اسبق آمریکا در دوره ریاست جمهوری «بوش پسر»، مادلین آلبرایت وزیر خارجه بیل کلینتون یا کرمیت روزولت، مجری آمریکایی کودتا در ایران، به صورت شفاهی یا در قالب خاطرات، تلوپا یا به صراحت از نقش آمریکا در این ماجرا پرده برداشته اند که البته با دستمایه ای از توجیه عملکردشان در این کودتا همراه شده است. اگرچه بریتانیا همچنان در باره نقش خود در این ماجرا سکوت اختیار کرده است. این که چرا اسناد مورد نیاز پژوهشگران برای درک بهتر و شناخت کامل تر ماهیت کودتا، منتشر نمی شود، می تواند دلایل مختلف و متعددی داشته باشد؛ دلایلی که می تواند پشت پرده تکیا‌های استعماری انگلیس و ایالات متحده را بیش از گذشته آشکار کند. برای درک بهتر این دلایل، به سراغ چهار نفر از استادان و کارشناسان برجسته تاریخ معاصر رفتیم و با آن ها در باره این مسئله گفت و گو کردیم.

■ هنوز اسناد دوره مشروطه منتشر نشده است!



دکتر موسی حقانی، معاون پژوهشی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، معتقد است عدم انتشار اسناد کودتای ۲۸ مرداد، به تداوم فعالیت های جاسوسی در کشورهای هدف، با همان شیوه های قدیمی ارتباط دارد. وی می گوید: در بحث انتشار اسناد، فقط اسناد کودتای ۲۸ مرداد مطرح نیست؛ از این اتفاق ۶۸ سال می گذرد. انگلیسی ها حتی حاضر نشده اند اسناد نفوذ و دخالتشان در انقلاب مشروطه را منتشر کنند؛ از آن اتفاق چیزی حدود ۱۱۵ سال گذشته است. طی این مدت، انگلیس تنها در



بر نقش بی بدیل اسناد برای بررسی وقایع تاریخی، می گوید: قرار بود این اسناد را سال ۲۰۱۳ میلادی منتشر کنند، یعنی زمانی که ۶۰ سال از تاریخ آن گذشته است و این اسناد از حالت محرمانه به حالت عادی تغییر جایگاه داده اند؛ اما این اتفاق نیفتاد. یکی از دلایل این رویکرد، همزمانی آن با بحث برجام و مذاکرات

■ اسناد انتشار یافته جهت دار بودند

دکتر هادی و کیلی، اسناد دانشگاه و متخصص تاریخ معاصر ایران درباره علت عدم انتشار اسناد، نظر دیگر دارد؛ او ضمن تأکید بر نقش بی بدیل اسناد برای بررسی وقایع تاریخی، می گوید: قرار بود این اسناد را سال ۲۰۱۳ میلادی منتشر کنند، یعنی زمانی که ۶۰ سال از تاریخ آن گذشته است و این اسناد از حالت محرمانه به حالت عادی تغییر جایگاه داده اند؛ اما این اتفاق نیفتاد. یکی از دلایل این رویکرد، همزمانی آن با بحث برجام و مذاکرات

مربوط به آن بود. انتشار اسناد می توانست بر وجه بودن بی اعتمادی ایرانیان به آمریکا، مهر تأییدی دوباره بزند و البته می توانست باعث خشم مردم ایران از اقدامات خصمانه انگلیس و آمریکا شود. در این بین، اسناد انتشار یافته کاملاً جهت دار بودند؛ یعنی از محتوای آن ها این گونه برداشت می شد که آمریکا نقشی در کودتا نداشته است! اسناد مربوط به وزارت خزانه داری آمریکا از همین قبیل بودند. خب، این چطور ممکن است؟ در حالی که سیاستمداران آمریکایی از نیم قرن قبل تا امروز، گاه و بی گاه درباره نقش آمریکا در این کودتا صحبت می کنند و هیچ کس تردیدی در این مسئله ندارد و فقط بحث در جزئیات است. در این بین، ممکن است برخی افراد در داخل کشور هم دید مثبتی درباره انتشار این اسناد نداشته باشند؛ البته نه فقط از این بابت که ممکن است خود یا خانواده شان با عوامل کودتا مربوط بوده اند، بلکه از این منظر که تعدادی از سیاستمداران ما، از این مسئله واهمه دارند که انتشار اسناد جدید، مسیر گفت وگوهای مدنظر آن ها را مسدود کند.

■ ادعاهای عوام فریبانه



دکتر مسعود رضایی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، معتقد است که انتشار اسناد، ربطی به مقررات ندارد؛ یعنی آمریکا و انگلیس، برخلاف ادعای قانون گرایی خود، اصولاً تصمیم گیری در این موارد را به مسئله منافع خودشان گره می زنند. وی می گوید: از نظر آن ها اصولاً انتشار اسناد مهم نیست، منافع است که اهمیت دارد. آن ها تا جایی سند منتشر می کنند که منافعشان خطر نباشد. رضایی می افزاید: یک وجه دیگر این عدم انتشار، می تواند مربوط به حفاظت از شخصیت ها، افراد یا گروه هایی باشد که انتشار اسناد، ماهیت وابسته آن ها را آشکار می کند. این وابستگی که به احتمال زیاد در چند نسل و حتی امروز، در این خانواده ها وجود دارد، باید حفظ شود. از سوی دیگر، موضوع شیوه های خاص برای نفوذ در سازمان ها و جریان های مختلف هم مطرح است که به هر حال باید محرمانه بماند. نه انگلیس و نه آمریکا، اصلاً متعهد نیستند که هر سندی را منتشر کنند؛ این که می بینید

تاریخ

تاریخ آفریقا

تاریخ ۱۱۰۰ ساله تشیع در شرق آفریقا



کنیا کشوری است در شرق قاره بزرگ آفریقا با حدود ۵۳ میلیون جمعیت که ۱۵ درصد از آن را مسلمانان تشکیل می دهند. اولین مواجهه مسلمانان با این کشور، احتمالاً به دهه هفتاد قرن اول هجری قمری و در زمان خلافت «عبدالملک بن مروان» خلیفه اموی برمی گردد؛ زمانی که اولین مهاجرت سازمان یافته مسلمانان به آفریقا و کشور کنیا اتفاق افتاد. مسلمانان از طریق دریا و با اهداف تجاری و البته ترویج دین اسلام به آن جاسفر کردند. امروز ۸۰ درصد مردم شهرهای ساحلی کنیا مسلمان هستند و اسلام در آفریقا به عنوان دینی ریشه دار و صاحب پیروان فراوان شناخته می شود. اما ورود تشیع به این کشور متعلق به قرن سوم هجری قمری است؛ زمانی که «علی بن سلطان حسن» بزرگ زاده ایرانی که پدرش از صاحبان قدرت بوده است از جور خلیفه عباسی همراه با گروهی که همگی ساکن شیراز بودند، ایران را به مقصد آفریقا ترک کرد. دلیل انتخاب آفریقا به عنوان مقصدشان، احتمالاً این بود که مادر علی بن سلطان، کنیزی از اهالی آفریقا بوده است. البته برای ورود ایرانی های شیعه به کنیا که به شیرازی ها معروف اند، داستان دیگری هم نقل شده است که در آن حضور شیرازی ها و تشیع را به دلیل مهاجرت «حسن بن علی» از شیراز به کنیا در قرن سوم هجری قمری برای تجارت بیان می کنند که در نهایت منجر به اقامت او به همراه خانواده و فرزندانش در مومباسا، یکی از شهرهای مهم کنیا شد. البته نمی توان قاطعانه شیرازی های کنیا را اهالی شیراز کنونی بدانیم چرا که در آن روزگار، شیراز بزرگ ترین شهر و مرکز تجارت جنوب ایران بود و تجارت و صادرات قالی، خنجر، عطر و ظروف سفالی از آن جا به آفریقا حسابی رونق داشت. به همین دلیل، همه تاجرانی که از جنوب ایران به آفریقا می رفتند، به شیرازی معروف می شدند. به تدریج هم از ادواج این تاجران شیرازی با اهالی بومی این مناطق، قوم جدیدی شکل گرفت و به طور کلی، آفریقایی های حاصل از ازدواج با افراد غیر آفریقایی، به نام شیرازی معروف و سر منشأ تاثیرات مهمی در آفریقا شدند.

در درجه اول این افراد، اسلام و تشیع را در کشورهای سواحل شرقی آفریقا گسترش دادند و باعث آشنایی و گرایش گروه های فراوانی از ساکنان این محدوده به اسلام شدند. از این گذشته، فرهنگ و سنت های ایرانی کم کم جای خودش را در فرهنگ و زندگی مردمان بومی این مناطق باز کرد. برخی از آداب و رسوم و سنت های ایرانی مثل برگزاری مراسم عید نوروز از حدود هزار سال قبل تا امروز در سواحل شرق آفریقا رواج دارد. شیعه ها به سه گروه بهره، خوجه اثناعشری و شیعه بومی تقسیم می شوند که به صورت منسجم در کنیا زندگی می کنند.

گنده لات ها سوار بر تانک کودتاگران؛ طراحان کودتا برای به میدان آوردن این افراد نیاز به کسانی داشتند که نامشان در اسناد بایگانی شده آمریکا و انگلیس ثبت و ضبط است. اما طی ۶۸ سال گذشته هنوز نتوانسته ایم همه آن ها را بشناسیم؛ چون اسناد منتشر نشده اند

مدعی چنین مسئله ای هستند، صرفاً یک ادعای عوام فریبانه است. با این حال، جوری اسناد را مخفی کرده اند که کسی نتواند با استفاده از آن ها، دخالت مستقیم آمریکایا انگلیس را ثابت کند و آن وقت، مجبور به عذرخواهی شوند؛ شاید یک دلیل عدم انتشار هم این باشد که اصولاً آمریکا و انگلیس، اهل عذرخواهی و اظهار پشیمانی نیستند.

■ از دوره قاجار تا امروز



دکتر عباس سرافرازی، استاد تاریخ و متخصص تاریخ معاصر ایران، به دیدگاه های دیگر کارشناسان مهر تأیید می زند و می گوید: موضوع وجود خاندان هایی که به هر حال، طی چند نسل با بیگانگان و به ویژه با انگلیس در ارتباط بوده اند، بسیار جدی است. ما برخی از این ها را می شناسیم و برخی را هم نه. شاید آمریکا و انگلیس، برای برنامه های آتی خود علیه ایران، نیاز به استفاده از این افراد داشته باشند و به همین دلیل، عدم افشای نام آن ها، منطبق با منافع این دولت های استعماری است. چنین رویکردی از دوره قاجار وجود داشته و در دوره پهلوی هم به اوج خودش رسیده است. هر چند که می بینیم گاهی مستولان بلندپایه آمریکایی مانند خاتم رایس یا آقای اوباما، ضمن صحبت هایشان و برای نشان دادن قدرتی که در منطقه دارند، اشاره ای ضمنی به نقش آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد می کنند، اما سندی قابل بررسی را در این زمینه منتشر نمی کنند و در دسترس پژوهشگران نمی گذارند.

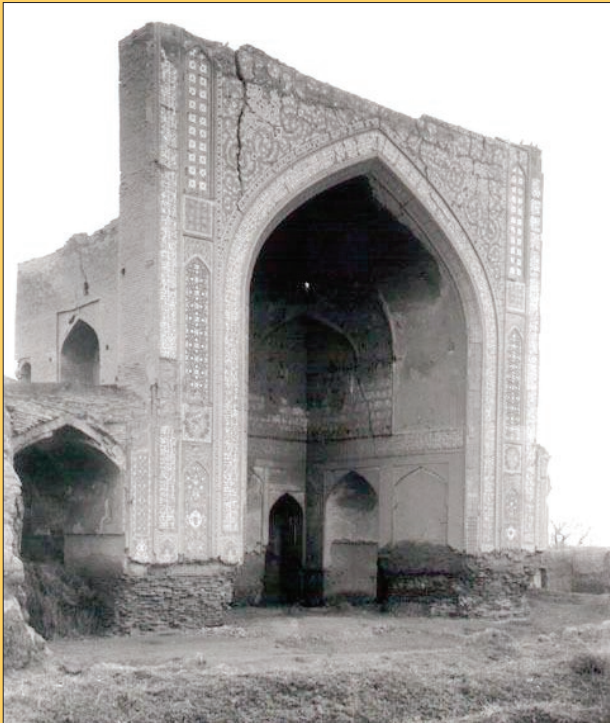
دیگر وقتش بود که بمیرد!

پنج شنبه، ۳ ربیع الاول ۱۳۰۶ * – افتخار السلطنه، خواهر قمر السلطنه دختر فتحعلی شاه در تهران مرده است. هفتاد و پنج سال متجاوز داشت، دیگر وقتش بود که بمیرد. قبلاً یکی دو بار او را دیده بودیم. نمی توانست درست راه برود و فی الواقع برای اطرافیانش خیلی در دسر داشت. امروز هم دیوانخانه، تخت بر می و میدان قصر که جنجال بود، مقصرین دماوندی را چوب می زدند. تماشاچی و غیره و غیره، جمعیت غربی در دیوانخانه و میدان [جمع] شده بود. آن قدر سرو صدا می کردند که نمی شد آرام بود. اصلاً انگار میل غربیی دارند همه به نگاه کردن دعا و مجازات. من هم از بس کار داشتم، مثل سگ شده بودم[!] [دست و پا هم که دردش هنوز باقی است. به طولوزان گفتمیم بیاید برای معاینه، پدر سوخته دیر آمد؛ معاینه کرد و دوا داد. امین اقدس هم عصری تب و لرز و توبه کرده است. یادمان رفت برای او طبیب بفرستیم. اوقات ما تلخ شد. گفتمیم دور و بر را خلوت کردند، اما فایده ای نداشت. هر کس می آمد، دلش می خواست حرف بزند. حوصله نوشتن روز نامه نداریم.

*** ۱۷ آبان ۱۲۶۷**



عکسی ۱۰۰ ساله از مصلاي ۳۴۵ ساله مشهد



برای لشکر آرایي و جمع آوری سپاه کاربرد پیدا می کرد. این بنا به همت فردی به نام حاجی ملک و طراحی حاجی شجاع بنای اصفهانی ساخته شد. نمای بیرونی مصلا، دارای کاشی های مرقع عصر صفوی است و در برخی از نقاط آن به ویژه در بدنه فضای درونی، تزیینات گچ کاری و مقرنس کاری به چشم می خورد. در سفرنامه رکن الدوله، مربوط به سال ۱۲۹۹ق، به آبادی های پیرامون مصلاي پایین خیابان مشهد اشاره شده است و نشان می دهد که تا پیش از الحاق این بخش به شهر مشهد، زمین های زراعی متعددی در اطراف آن وجود داشت؛ هر چند که ظاهراً بخش مهمی از آن ها وقفی بود.

در قاب تاریخ امروز، تصویری از بنای مصلاي پایین خیابان مشهد را که در حدود ۱۰۰ سال قبل گرفته شده است، می بینید.

معمولاً در تمام شهر ها، مکانی را در بیرون از دروازه های شهر به عنوان مصلا در نظر می گرفتند؛ این مصلا ها با هدف برگزاری نماز عیدین، یعنی عید قربان و عید فطر، انتخاب می شد و به تدریج، ساختمان های زیبا و مستحکمی را روی آن ها می ساختند. شهر مشهد از دیرباز، صاحب چند مصلا بوده است، مصلاي پایین خیابان. مصلاي پایین خیابان که امروزه و پس از مرمت ساختمان آن در ردیف یکی از آثار تاریخی درخور تحسین شهر مشهد درآمده است، در سال ۱۰۸۷ق/ ۱۰۵۵ش و دوران حکومت شاه سلطان حسین صفوی ساخته شد. این بنا که امروزه در حاشیه بولواوی در شرق شهر مشهد قرار گرفته است، روزگاری بیرون از شهر قرار داشت و تنها در ایام عید فطر و عید قربان و گاهی